

# "سهام عدالت"

## جنبش معلمان ایران و حيله

یزدان حاج حمزه دولت پاسداران رژیم ولایت فقیه، در تلاش برای حفظ این رژیم، استراتژی سیاسی جنگ گونه‌یی را در پیش گرفته است. در عرصه برون مرزی، کسب هژمونی سیاسی در منطقه خاورمیانه را هدف استراتژیک خود قرار داده است. برای رسیدن به این هدف، هم در جهت تبدیل شدن به یک قدرت اتمی به پیش می رود و هم سیاست تولید مثل در این منطقه را دنبال می کند. در فلسطین همراه با کودتاچیان حماس طرح تجزیه این کشور و تشکیل ((دولت اسلامی فلسطین)) را به اجرا درآورده است. در عراق و لبنان و افغانستان نیز، با همین سمتگیری به دخالت نظامی - سیاسی خود ادامه می دهد. رئیس دولت پاسداران که در عین حال رئیس (( شورای عالی امنیت )) رژیم ایران نیز هست، بر این امر واقف است که سیاست خارجی فوق الذکر، ایران را در سطح بین المللی منزوی می کند، در تنگنای اقتصادی می اندازد و در عرصه داخلی برایش مشکلات اجتماعی به وجود می آورد. این را نیز می داند که برخی از قدرت های خارجی، در راستای مقابله با این سیاست، برای آن که کار به جنگ نکشید، در تلاشند سایر اعضای ثابت شورای امنیت را به سمت محاصره اقتصادی کامل ایران بکشانند. اما رژیم ولایت فقیهی ایران راه دیگری جز پیگیری این سیاست در پیش پای خود نمی بیند، قوه مجریه این رژیم مشکلات داخلی ناشی از این سیاست خارجی را به جان خریده است. مدیریت عادی امور اقتصادی - اجتماعی ایران را کنار گذاشته و برای مهار نارضایتیها به مدیریت امنیتی مسائل اجتماعی و اقتصادی ایران روی آورده است. دولت پاسداران، ضمن پیشبرد سیاست خارجی خود، در برخورد با اعتراض های اجتماعی داخلی، مدیریت امنیتی دوسویه را پیشه کرده است. از یکسو با حربه تهدید و سرکوب عریبان با ناراضیان رویاری می شود و از سوی دیگر با حربه تطمیع به سیاست تفرقه افکنی بین آنها روی آورده است. هم حربه تهدید را در رسانه های جمعی به نمایش گذاشته و هم حربه تطمیع را. حربه تطمیع دولت پاسداران، تا به حال در مواردی نظیر تشکیل ((سندوق مهرالرضا)) برای ((کسک به ازدواج جوانان))، وام کم بهره بانکی برای تشکیل ((شرکتهای کوچک زودبازده))، تصمیمگیریهای خلق الساعه در حین مسافرت به شهرستان ها، به کار افتاده است. اما این دولت با شروع به توزیع ((سهام عدالت))، هدف امنیتی ویژه و حساسی را دنبال می کند، که جای تأمل دارد.

ایران هستند که به رغم مانع تراشیهای دولت، موفق شده اند فعالیت صنفی سراسری مستقل از حکومت زیر عنوان ((کانون صنفی معلمان ایران)) را شکل بدهند. این صنف آگاه طی ماه های اخیر برای حق طلبی و مقابله با محرومیت های خود، جنبش سراسری گسترده‌یی را در سراسر کشور به راه انداخته است. خواست محوری معلمان، رفع تبعیض حقوقی و اجرای قانون ((نظام هماهنگ پرداخت)) است. وعده اجرای این قانون در مورد معلمان و هماهنگ کردن نظام پرداخت آنها با کارکنان ممتاز دولت را داده اند، اما نمی خواهند زیر بار مالی اجرای آن بروند و بودجه آن را که به گزارش خبرگزاری حکومتی ایرنا (۲۶ بهمن ۸۵) به حدود ۵ هزار میلیارد تومان می رسد، تأمین کنند. دولت پاسداران در حالی که بخشی از فعالان جنبش معلمان را به زندان انداخته و برای بخشی دیگر از آنها حکم انفصال از خدمت صادر کرده، دام واگذاری ((سهام عدالت)) را بر سر راه این جنبش پهن کرده تا این جنبش را از هدف خود منحرف کند و بین معلمان تفرقه بیندازد. به نوشته روزنامه سرمایه ۳۱ خرداد ۸۶ (( ثبت نام معلمان برای دریافت سهام عدالت ابتدا به شیوه اینترنتی انجام شد و از این طریق حدود ۳۵۰ هزار نفر اعلام آمادگی کردند. اما به دلیل کامل نبودن مشخصات ارسال، فرم دستی ثبت نام به مدارس فرستاده شد و معلمان پس از تکمیل، آن را به ادارات آموزش و پرورش تحویل دادند. بر اساس این فرم، هر فرهنگی باید مشخصات خود و افراد تحت تکفلش را ذکر کند))، گزارشگر این روزنامه نظر برخی از معلمان را که فرم را پر کرده‌اند این طور گزارش می دهد. ((پروانه تراسی، فرم را ۲۷ خرداد ماه (۸۶) تحویل داده و معتقد است نه او و نه همکارانش هیچ حسابی روی این سهام باز نکرده‌اند و صحبت خاصی هم از مسئولان در این باره نشنیده‌اند. حسینی معلم مدرسه راهنمایی می گوید آن طور که می گویند از اول مهر به هر نفر که فرم را پر کرده باشد سهامی معادل ۵۰۰ هزار تومان واگذار می شود. بعضیها می گویند ارزش این مقدار سهام ۲۵۰ هزار تومان است و تا دوسال حق فروش نه خواهیم داشت و پس از دوسال این سهام ۵۰۰ هزار تومان ارزش خواهد داشت)). اما واقعیت آن است که این شگرد، حيله امنیتی بیش نیست و از این بازی آبی برای کسری درآمد معلمان محروم کشور گرم نمی شود. مروری بر منشأ شکل گیری ((سهام عدالت)) و طرحی که برای توزیع آن ریخته اند، این واقعیت را ملموس می کند. سابقه امر منشأ و زمینه اجرایی

توزیع ((سهام عدالت)) توسط دولت پاسداران از حدود يك سال پیش پس از آغاز دور جدید نمایش ((خصوصی سازی)) شرکتها و مؤسسات دولتی، فراهم شد. خامنه ای، ولی امر و سیاستگذار کلان در نظام حکومتی ولایت فقیه، حدود یکسال پیش ضمن صدور حکمی خطاب به سه قوه مقننه، مجریه و قضاییه رژیم، دستور داد که با استفاده از نظرات ((جمع تشخیص مصلحت نظام))، برای ((خصوصی سازی)) ۸۰ درصد از مالکیت بیش از ۲۰۰۰ شرکت و مؤسسه دولتی، مقدمات ((قانون))ی و اجرایی لازم را تهیه کنند. بنا بر تخمین منابع داخلی دارایی مشمول واگذاری این شرکت ها بین ۱۰۰ تا ۱۴۰ میلیارد دلار ارزش دارد. هنوز مرکب این حکم خشک نشده بود که احمدی نژاد توانست موافقت خامنه‌ای را برای اختصاص ۵۰ درصد از این سرمایه دولت، یعنی ۵۰ تا ۷۰ میلیارد دلار را، به صورت ((سهام عدالت)) بگیرد و به هوای یارگیری و جذب نیروی طرفدار رژیم از میان محرومین جامعه، واگذاری ((سهام عدالت)) را با ((تخفیف ۵۰ درصد و اقساط ده ساله در مورد کسانی که در ردیف دو دهک پایین درآمدی قرار دارند))، به امضای خامنه ای برساند. به گزارش رسانه‌های داخلی دولت احمدی نژاد، توزیع ((سهام عدالت)) را از طریق ((شرکت های سرمایه گذاری استانی متشکل از تعاونیهای شهرستانی)) آغاز کرده و در فضایی که با تنگناهای سیاسی شدید داخلی و خارجی رویاری شده، قصد دارد در مرحله اول با توزیع این سهام بین نیروهای خودی)) و بسیجیها، همراهی آنها با حکومت را پیوند مالی بزند و مانع ریزش آنها در شرایط سخت شود. برای فروش و واگذاری باقیمانده سهام شرکتهای دولتی، بیش از يك سال است که دولت و مجلسیان به کار تدوین لایحه قانونی مربوط به اجرای حکم ((رهبری)) هستند تا قانون انتقال سرمایه از بخش دولتی به ((بخش خصوصی)) را تدوین کنند. حال آن که دولت و مجلس رژیم بیش از همه واقفند که نمی توانند نظر بخش خصوصی واقعی را برای خرید سهام کارخانه های دولتی جلب کنند. فضای کنونی در ایران فضای فرار سرمایه است. این واقعیت را می توان در سقوط شاخص بازار بورس ایران بر اثر فروش سهام هایی که در دست افراد بوده لمس کرد. در جهش قیمت زمین، مسکن، سکه های طلا بر اثر هجوم صاحبان اندوخته های نقدی به سمت این کالاها و هم چنین سرعت گرفتن خروج سرمایه از ایران

### یزدان حاج حمزه

و سیاست حکمرانی می کنند. نخست دولت غیر رسمی و قدرت فائقه ((رهبر)) و ((نهاد رهبری)) است، که از طریق صدها شرکت وابسته به بنیادهای گوناگون و آستان قدس رضوی در عرصه اقتصاد ایران جولان می دهد شرکتهای حکومتی وابسته به این قدرت، زیر چتر رانت سیاسی (رهبر) حدود ۳۰ درصد از تولید ملی ایران را قبضه خود کرده‌اند و به احدی جز رهبر حساب پس نمی دهند. باید محری قانون مصوب مجلس باشد و به مجلس حساب پس بدهد. این دولت نیز چند هزار شرکت فعال در عرصه اقتصاد کشور را تحت تصدی و مالکیت خود در آورده و از طریق فعالیت اقتصادی شرکتهای تحت تصدی خود حدود ۵۰ درصد از تولید ملی ایران را در دست گرفته است. بنا بر این اگر در این نظام (خصوصی سازی) به معنای خلع ید اقتصادی از قدرت حاکم، مطرح بود ابتدا می بایستی سراغ خلع ید اقتصادی از قدرت محرب و بلا منازع رهبری می رفتند و بعد سراغ دولت رهنمی و شرکتهای دولتی می آمدند. این نظام نغمه ناموزون (خصوصی سازی) را در ۳ برنامه پنجساله اول و دوم و سوم، سازکرد. اجرای این سه برنامه، به گواهی واقعیت های آماری، نقش تصدی گری اقتصادی حاکمیت را نه تنها کاهش نداد بلکه بیشتر کرد. برخی از این حادثه نتیجه گرفتند که خصوصی سازی در این نظام، مانع قانونی دارد و برای تحقق خصوصی سازی شرکتهای دولتی باید اصل ۴۴ قانون اساسی رژیم بازبینی و اصلاح شود. خامنه ای رهبر رژیم با استفاده از اختیارات خود، ضمن دادن رهنمودهایی کار اصلاح اصل ۴۴ را به ((جمع تشخیص مصلحت نظام)) واگذار کرد. این مجمع پس از مدت دو سال کلنجار رفت با آن، تغییراتی در اصل ۴۴ قانون اساسی رژیم داد و آن را به امضای خامنه ای رساند. حدود يك سال پیش رهبر رژیم آخرین دستپخت اصلاح شده مجمع تشخیص را برای تهیه ((مقدمات قانونی و اجرای لازم)) به رؤسای سه قوه مجریه، مقننه و قضاییه رژیم ابلاغ کرد. اما به طوری که از نظر گذشت، به رغم گذشت بیش از يك سال هنوز (لایحه قانونی) اجرای اصلاحات اصل ۴۴ برای قانونی شدن آن توسط مجلس تدوین نشده است، با این وجود دولت پاسداران با امضای خامنه ای دخل و تصرف امنیتی در کار انتقال بخش عمده سهام شرکتهای دولتی زیر عنوان ((سهام عدالت)) را آغاز کرده و با این حيله، متلاشی کردن جنبش سراسری معلمان کشور را نیز هدف قرار داده است. از سهام عدالت چه عاید معلمان می شود؟ دولت پاسداران حتی اگر مالکیت بخشی از سهام کارخانه‌های دولتی را به

معلمان محروم انتقال دهد، مشکل درآمد ناکافی و فقر زدگی آنها را نمی تواند حل کند. کارخانجات دولتی به شرطی ممکن است سودده شوند و برای سهامداران منبع در آمد شوند که ((بهره‌وری)) تولید آنها بالا برود. بالا رفتن بهره‌وری تولید در این موسسات به نوبه خود مشروط به آنست که مدیریت آنها از دولت به بخش خصوصی واقعی منتقل شود. با توجه به آنکه قرار است ۲۰ درصد از سهام (۷۰ درصد) باقی خواهد ماند. بخش خصوصی یا معلمان با مالکیت ۳۰ درصد باقیمانده سهام، قانوناً، نمی توانند مدیریت این کارخانجات را از دست دولت خارج کنند. انتقال مالکیت و فروش سهامی که احتمالاً در اختیار معلمان قرار می دهند، نیز دست کم تا دو سال غیر ممکن است و حتی اگر روزی ممکن شود، درآمد آن یکبار برای همیشه است و نمی تواند جایگزین کسری درآمد مستمر معلمان شود. این کسری درآمد و برخورد تبعیض معلمان، زندگی مادی این قشر زحمتکش را فلج کرده است. این درمماندگی و فلج معیشتی، داروی نقد و فوری افزایش حقوق معلمان را می طلبد و نه وعده سر خرمن ((سهام عدالت)) اکثریت معلمان کشور بر این واقعیت اشراف دارند. رسانه‌های حکومتی می نویسند از بیش از يك میلیون معلم تا پایان خرداد ماه ۸۶ فقط ۳۵۰ تا ۴۰۰ هزار نفر آنها (يك سوم معلمان) فرم اینترنتی درخواست ((سهام عدالت)) را پر کرده‌اند. به علت برخورد منفی اکثریت معلمان ایران با این رژیم است که خبرگزاری حکومتی فارس روز ۳ تیر ۸۶، به نقل از معاون وزارت آموزش و پرورش اعلام کرد ((وزارت آموزش و پرورش ثبت نام اینترنتی سهام عدالت را برای فرهنگیان تا پایان تیر تمدید کرد)). معلمان آگاه کشور تجربه ناکام دهه ۴۰ و ۵۰ زمان شاه، در مورد ((واگذاری سهام کارخانه‌های دولتی به کارگران)) را در پیش رو دارند. بر تجربه ناکام این قبیل طرحهای ((پوپولیستی)) قدرتهای حکومتی در سایر کشورها نیز واقفند و می دانند این تجربه را کشورهای اروپای شرقی طی سالهای اولیه دهه ۱۹۹۰، بعد از فروپاشی بلوک شرق، به اجرا درآوردند، از آن طرفی نبستند و مجبور شدند آن را کنار بگذارند. معلمان شریف کشور باید حيله ((سهام عدالت)) را به خود حيله گران حکومتی برگردانند. خواستههای صنفی حق طلبانه آنها، جز با مقاومت، اتحاد سراسری و ادامه جنبش مستقلى که آغاز کرده‌اند، دست یافتنی نیست.

\*\*\*